



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

## بررسی سببی روش‌های بررسی فرهنگی

کنند و یاریشان دهند.

یکی از راه‌های بررسی فرهنگ‌های دوزبانه، مقایسه معادل‌ها و مترادف‌های زبان مقصد در برابر زبان مبدأ است. به این ترتیب که مدخلی را که در تمام فرهنگ‌های موجود ثبت شده است در نظر گرفت و سپس برابر نهاده‌ها را به لحاظ درستی و دقت، با هم مقایسه کرد. البته این روش بی‌اشکال نیست؛ چرا که حجم واژگان فرهنگ‌ها با هم متفاوت‌اند و در نتیجه، تعداد برابر نهاده‌ها و مترادف‌ها نیز با هم تناسب ندارند. علاوه بر این، نوع مخاطبان و حوزه کاربرد فرهنگ‌ها نیز با هم تفاوت دارند. لذا استفاده از این روش زمانی با دقت کارشناسانه همراه خواهد بود که مثلاً دو یا چند فرهنگ عمومی زبان آلمانی - فارسی با حجم واژگانی

نقد منصفانه و بررسی دقیق فرهنگ‌های دوزبانه کاری است دشوار و خطیر. با تورقی در فرهنگ زبان و نگاهی به مدخل‌ها و معادل‌ها و مترادف‌های آن، نمی‌توان به سادگی به نقاط ضعف و قوت این نوع کتاب پی‌برد و درباره آن داوری کرد. لازمه نقد و بررسی کارشناسانه فرهنگ زبان، کندوکاو در اجزاء آن، به کارگیری ملام و استفاده هدفمند از آن است. کاری که البته زمان می‌خواهد و در کوتاه مدت میسر نیست. اما از سوی دیگر علاقه‌مندان و خریداران و کاربران این نوع کتاب‌ها از صاحب‌نظران و منتقدان کتاب و در واقع از نشریاتی که تمامی یا بخشی از صفحات خود را به معرفی و نقد و بررسی کتاب اختصاص می‌دهند، انتظار دارند که در انتخاب فرهنگ زبان مورد نیازشان، آنان را راهنمایی



# فرهنگ

آلمانی - فارسی  
فارسی - آلمانی

## با نگاهی به فرهنگ آلمانی - آلمانی - فارسی

رضا پورحسینی

در حال حاضر در بازار کتاب موجود است، مقایسه کنیم. گرچه می‌دانیم که این فرهنگ‌ها به لحاظ حجم وازگان و نوع مخاطبان با هم اختلاف بسیار دارند.

اما نخست فرهنگ زبان آلمانی - فارسی را که در این نوشتار قصد بررسی آن را داریم، به‌طور کوتاه معرفی می‌کنیم و ویژگیهای آن را برمی‌شماریم.

به‌تازگی در کشورهای آلمانی‌زبان فرهنگ فارسی به آلمانی و آلمانی به فارسی کوچکی به‌بازار عرضه شده است که خسرو ناقد مؤلف آن است و انتشارات معتبر لانگن‌شایت آن را منتشر کرده است. این فرهنگ به‌رغم کوچکی، سزاوار نقد و بررسی است. شاید تنها به‌این

تقریباً مساوی (۳۵ تا ۴۰ هزار لغت) و با برابرنهاده‌ها و مترادف‌های یک اندازه (۱۲۰ تا ۱۴۰ هزار) را که مثلاً برای استفاده زبان‌آموزان و دانشجویان تألیف شده است با هم قیاس کرد. با این همه ناگزیریم که فرهنگ مورد نظر خود را با چند فرهنگ زبان آلمانی - فارسی دیگر که

völlig abgebrannt	آس و پاس
Trödler (in), Trödel-fritze, Trödeliese	فِس فسو
ihm/ihn juckt das Fell	تنش می خاره
hohes Tier	کله گنده
Hals über Kopf, überstürzt	هول هولکی
schnappen	قاپ زدن
in Hülle und Fülle	فت و فراوان
neppen	چاپیدن
Klapperkasten	ابوقراضه
Prahlerci, Protzerei	چسی

و جز اینها. در این فرهنگ انتخاب واحدهای واژگانی با توجه به نوع مخاطبان و عمومی بودن فرهنگ صورت گرفته است و تقریباً همه واژه‌های رایج و زنده زبان فارسی و آلمانی که در محاوره روزمره مورد استفاده قرار می‌گیرد، ثبت شده است. فرهنگ لانگن شایت تنها فرهنگ در میان فرهنگ‌های موجود است که رسم الخط (شیوه نگارش) جدید زبان آلمانی که به تازگی در کشورهای آلمانی زبان رسمیت یافته، در آن به کار رفته است. حاصل کار، فرهنگی شده است دوسویه، یعنی فارسی به آلمانی و آلمانی به فارسی، در قطع جیبی و با ۱۸۰۰۰ واژه پُرسامد، به همراه آوانویسی واژه‌های فارسی و کاربرد آنها در حوزه‌های معنایی گوناگون و مثال‌های متعدد که در ۴۸۰ صفحه بر روی کاغذ نازک اما محکم و با صحافی خوب و طرح ساده و جالب روی جلد به بازار کتاب عرضه شده است.

حال در زیر نمونه‌وار مدخل‌ها و معادل‌های پنج فرهنگ آلمانی - فارسی را که در دسترس داریم با هم مقایسه می‌کنیم:

۱- فرهنگ آلمانی فارسی دانشگاهی، تألیف امیر اشرف آریان پور.  
۲- فرهنگ جامع آلمانی - فارسی بروک هاوس، تألیف خشایار قائم مقامی.

۳- فرهنگ آلمانی - فارسی، تألیف حسین پنبه چی. (این فرهنگ ترجمه فرهنگ یک زبانه آلمانی دودن است).

Das Bedeutungswörterbuch Duden.

۴- فرهنگ جامع آلمانی - فارسی، تألیف حسین توکلی.

۵- فرهنگ فارسی - آلمانی و آلمانی - فارسی لانگن شایت، تألیف خسرو ناقد.

البته بیشتر هم اشاره کردیم که فرهنگ لانگن شایت، چه به لحاظ قطع و اندازه و چه به لحاظ حجم واژگان و تعداد برابر نهاده‌ها و مترادف‌ها، از همه فرهنگ‌های مذکور کوچک‌تر است و شاید تنها با فرهنگ آلمانی - فارسی، تألیف حسین پنبه چی، یا احتمالاً فرهنگ جامع آلمانی - فارسی، تألیف حسین توکلی قابل قیاس باشد. به هر حال، ما سعی می‌کنیم در بررسی تطبیقی خود، حتی الامکان مدخل‌هایی را برگزینیم که در تمام این فرهنگ‌ها ضبط شده باشند.

دلیل که حاصل نخستین همکاری موفقیت‌آمیز فرهنگ‌نویسی ایرانی با ناشری آلمانی است. ناشر آلمانی این فرهنگ که از سال ۱۸۵۶ میلادی در کار انتشار کتاب‌های مرجع و به‌ویژه فرهنگ‌های دوزبانه است، از اعتبار جهانی برخوردار است و فرهنگ‌های دوزبانه بسیاری برای اکثر زبانهای دنیا در قطعه‌های متفاوت و مناسب با حجم واژگان و تعداد صفحات و نوع مخاطبان منتشر کرده است. ولی به‌جز دوره کوتاهی که پس از فروپاشی آلمان شرقی، امتیاز «فرهنگ فارسی به آلمانی یونگر - علوی» را در اختیار داشت و آن را تجدید چاپ می‌کرد، تاکنون در فهرست فرهنگ‌های منتشر شده خود، فرهنگ آلمانی به فارسی و فارسی به آلمانی، آن هم در یک مجلد نداشت. این کمبود را بیش از همه و به‌گونه‌ای مشهود زبان‌آموزان و جهانگردان آلمانی ایرانی احساس می‌کردند. البته این فرهنگ در شمار فرهنگ‌های کوچکی است که این ناشر در قطع جیبی، تقریباً برای تمام زبانهای زنده دنیا، منتشر می‌کند. شگفت آنکه تاکنون برای زبان فارسی چنین فرهنگی وجود نداشت؛ و این در حالی است که افزون بر زبان‌های بزرگ دنیا، برای زبان‌های دیگر چون آلبانیایی، اندونزیایی، ایسلندی، بلغاری، سواحیلی، کرواتی و ویتنامی هم سال‌ها است که فرهنگ‌های دوزبانه در کشورهای آلمانی زبان یافت می‌شود.

از این رو مؤسسه انتشاراتی لانگن شایت با توجه به نیاز روزافزون ایرانیان و آلمانی‌ها به فرهنگ زبان، بر اساس سابقه کار خسرو ناقد در ترجمه متون و تجربیات او در زمینه فرهنگ‌نگاری، سفارش تألیف و تلویح نخستین فرهنگ دوزبانه آلمانی به فارسی را به‌وی داده است. مخاطبان اصلی این فرهنگ بیشتر زبان‌آموزان فارسی و آلمانی و نیز جهانگردان آلمانی زبان و فارسی‌زبانند تا به‌راحتی بتوانند با رجوع به آن نیازمندی‌های اولیه خود را بر طرف کنند. از این رو ناشر، این فرهنگ دوسویه را در قطعی کوچک عرضه کرده است تا به‌هنگام مسافرت و در مدرسه و کوچه و بازار، در جیب و کیف جا بگیرد. از آنجا که در مرتبه اول، مخاطبان آلمانی در نظر بوده‌اند، تمام اصطلاحات و واژه‌ها و مثال‌های فارسی به‌صورت ساده‌ای آوانویسی شده است تا کار خواندن لغات فارسی برای آلمانی‌زبانان آسان شود. این کار نه تنها به آلمانی‌زبانان که در آلمان و اتریش و مناطق آلمانی‌زبان کشور سوئیس و ایران و افغانستان و تاجیکستان با زبان فارسی سر و کار دارند، کمک بسیار می‌کند، بلکه به‌نسل جدیدی از ایرانیان نیز که ساکن کشورهای آلمانی‌زبانند و خواندن و نوشتن فارسی را نمی‌دانند، اما فارسی را می‌فهمند و یا کم و بیش می‌توانند فارسی حرف بزنند، یاری می‌رساند.

در بخش فارسی به آلمانی فرهنگ لانگن شایت، افزون بر واژه‌های پُرسامد زبان نوشتاری و گفتاری، به‌واژه‌ها و اصطلاحات عامیانه نیز که در زبان محاوره‌ای رایج شده‌اند، برمی‌خوریم که در کمتر فرهنگ دوزبانه‌ای، آن هم با چنین معادل‌های دقیق و مناسب در زبان مقصد، دیده می‌شود؛ مثلاً:

**نمونه اول:** دو واژه *Gefängnis* و *Kitchen* را در زبان آلمانی در نظر بگیریم که هر دو به معنای «زندان» است. اما یکی بیشتر در زبان نوشتاری و دیگری در زبان محاوره به کار می‌رود. همه فرهنگ‌های آلمانی به فارسی بدون استثناء در مقابل این دو واژه، معنای «زندان» را گذارده‌اند و فقط فرهنگ لانگن‌شایت معادل «زندان» را برابر *Gefängnis* و «هلفدونی» را در برابر *Kitchen* نهاده است.

**نمونه دوم:** *Titel* فرهنگ شماره ۱) مقام، درجه؛ عنوان تیترا. ۲) لقب، عنوان، تیترا. ۳) عنوان یا مقام و یا سمت خاصی که به مناسبت خدمات شایسته به اشخاص اعطاء می‌گردد، درجه؛ عنوان یا اسم یک



بی‌سروته. ۴) چرند و پرند، مهمل، مزخرف، حماقت. ۵) لیچار، شر و ور؛ شوخی.

**نمونه پنجم:** *Landfriedensbruch* شماره ۱) نقض آرامش کشور. ۲) شورش کردن و دستبرد زدن به مال و جان مردم. ۳) و ۴) و ۵) این واژه را ضبط نکرده‌اند. ۱) و ۲) هم سعی در تعریف و معنی کردن داشته‌اند و به خطا رفته‌اند. معادل دقیق و درست آن «اختلال در نظم عمومی، ایجاد اغتشاش» است.

**نمونه ششم:** *Notwehr* شماره ۱) دفاع از خود، خودپناهند. ۲) دفاع اضطراری از خود. ۳) دفاع از جان خود هنگام مورد خطر جانی قرار گرفتن و کشتن کسی که قصد جان شخص را داشته باشد بدون آنکه او از این بابت کیفر شود. ۴) دفاع از خود. ۵) دفاع مشروع. در اینجا می‌بینیم که تنها معادل درست و دقیق این اصطلاح حقوقی را که در لغتنامه دهخدا نیز به همین معنا ضبط شده، خسرو ناقد به کار گرفته است.

**نمونه هفتم:** *Podiumsdiskussion* شماره ۱) گفت‌وگوی روحانی با حاضران. ۲) و ۳) و ۴) ندارد. ۵) میزگرد.

**نمونه هشتم:** *Handschuhfach* شماره ۱) قسمت دستکش در فروشگاه. ۲) محلی در داشبورد ماشین برای قرار دادن بعضی از اشیاء. ۳) ندارد. ۴) داشبورد. ۵) داشبرد.

**نمونه نهم:** *Teufelskreis* شماره ۱) تسلسل مشکلات. ۲) موقعیت بد و نامناسب، سلسله‌ای از حوادث و پیشامدهای ناجور. ۳) ندارد. ۴) تسلسل مشکلات، موقعیتی که انسان برای برطرف کردن یک مشکل با مشکلی جدید مواجه می‌شود. ۵) دور باطل.

**نمونه دهم:** *Kleinkram* اصطلاحی رایج در زبان محاوره آلمانی است. ۱) چیز جزئی و اندک، موضوع کم‌اهمیت و ناچیز. ۲) اشیاء کوچک بی‌ارزش، کارهای بی‌اهمیت و ناچیز، خرده کاری. ۳) کارهای کم‌اهمیت ولی لازم و دست و پاگیر و وقت تلف کننده روزانه. ۴) ندارد. ۵) خرده ریز، خرت و پرت.

نتیجه‌ای که از این بررسی کوتاه می‌توان گرفت، این است که مؤلف فرهنگ دوزبانه جداً باید از تعریف و توصیف لغات و اصطلاحات بپرهیزد. به عبارتی دیگر، از معنی کردن و توضیح و تشریح و ترجمه سرمدخل‌ها دوری جوید و بکوشد تا در زبان مقصد برابر نهاده‌هایی دقیق و مناسب برای هر واژه بیابد. شاید ویژگی ممتاز فرهنگ لانگن‌شایت، معادل‌های درست و دقیق واژه‌هاست؛ چه در بخش آلمانی به فارسی و چه در بخش فارسی به آلمانی.

#### پانویس:

\* وین - اتریش

کتاب یا یک اثر هنری. ۴) عنوان، لقب، تیترا، مقام قهرمانی [ورزش]. ۵) [کتاب] عنوان، تیترا؛ [شخص] لقب. آنچه در این مثال بیش از هر چیز جلب توجه می‌کند، فرهنگ شماره ۳ است. مؤلف ظاهراً تمام متن لغتنامه Duden را که فرهنگ آلمانی به آلمانی است، ترجمه کرده است. در صورتی که کار مؤلف فرهنگ دوزبانه یافتن معادل‌های دقیق و مناسب برای واژه‌هاست و نه تعریف و تشریح آنها. در فرهنگ پنبه‌چی، این وضع تا آخر ادامه دارد.

**نمونه سوم:** *Handschrift* شماره ۱) نسخه خطی، دستخط. ۲) خط؛ دست نویس. [در این فرهنگ مدخل آلمانی به غلط با ff ضبط شده است]. ۳) خط دستی، خطی که با دست نوشته شده باشد؛ کتابی که در قرون گذشته (قرون وسطی) با دست نوشته شده باشد، کتاب خطی. ۴) دستخط. ۵) دستخط، خط؛ نسخه خطی.

**نمونه چهارم:** *Quatsch* شماره ۱) حرف مفت، سخن بی‌معنی، مهمل‌گویی، لوس‌بازی، چرندپرند. ۲) باوه، مزخرف، حرف مفت. ۳) حرف یا عمل مزخرف و نادرست و احمقانه و بی‌ارزش و بی‌معنی، حرف